

اقتضای اسناد و اخبار در تعارض اخبار/ - روایات عرضه و طرح

برگه جلسه :

صفحه 1651 و 1652

6. برخی از مصادیق مخالفت با اصول مسلم شریعت

الف) نقد و بررسی برخی روایات مبین ثواب یا عقاب

به دو متن ذیل توجه کنید:

یکم

«...با بودن این همه دعا‌های معتبره مرویه با مضامین عالیه و کلمات فصیحه بلیغه دعائی بی‌ربط در کمال برودت جعل نمایند و نام او را «دعای حبی» گذارند و از کنگره عرش آن را نازل نمایند و چندان فضیلت برای او وضع نمایند که انسان را متحیر و سراسیمه نماید از جمله آن که العیاذ بالله جبرئیل بحضرت رسول صلی الله علیه و آله از جانب حق سبحانه و تعالی گفته باشد که هر بنده‌ای که این دعا را با خود دارد او را عذاب نکنم اگر چه مستوجب جهنم باشد و عمر خود را به معصیت گذرانده باشد و مرا در هیچوقت سجده نکرده باشد من آن بنده را ثواب هفتاد هزار پیغمبر بدهم و ثواب هفتاد هزار زاهد و ثواب هفتاد هزار شهید بدهم و ثواب هفتاد هزار نماز گزار بدهم و ثواب هفتاد هزار برهنه که پوشانیده باشد، بدهم و ثواب هفتاد هزار گرسنه که سیر کرده باشد بدهم و ثواب بعدد ریگهای بیابانها بدهم و ثواب هفتاد هزار بقعه زمین بدهم و ثواب مهر نبوت رسالت پناه بدهم و ثواب عیسی روح الله و ابراهیم خلیل الله بدهم و ثواب اسماعیل ذبیح الله و موسی کلیم الله و یعقوب نبی الله و آدم صفی الله و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و فرشتگان بدهم یا محمد هر که این دعای بزرگوار حبی را بخواند یا با خود دارد بیمارزم او را و شرم دارم که عذاب کنم الخ و شایسته است که انسان از شنیدن اینها عوض خنده، گریه کند...»<sup>1</sup>

(جلسه هفتاد و سوم)

دوم

«...و الذی أقوله فی قوله - علیه السلام - : «من مثل مثالا» یعنی به آنه من أبدع بدعة و دعا الیها او وضع دینا فقد خرج من

الاسلام...»<sup>2</sup>

نقد و بررسی این دو متن

متن اول از محدث متتبع شیخ عباس قمی است و مفاد آن انکار ترتب ثوابهای محیرالعقول برای کار کم‌زحمتی چون خواندن یا همراه داشتن یک دعاست. بگذریم که جناب ایشان شبیه این مفاد را نسبت به برخی دعا‌های معتبر پذیرفته است. شاید به این جهت که دعای مورد بحث ایشان مجعول و بیان ثواب آن هم در نصی معتبر نرسیده است، لکن اگر دعا و نص مبین ثواب آن مشکل سند نداشت، با خیال راحت باید پذیرفت.

ما این فهم و مدیریت را قبول نداریم و در ادامه آن را نقد خواهیم کرد.

متن دوم از جناب شیخ صدوق - قدس سره - است که با نظارت بر حدیث امیرالمؤمنین - علیه السلام - : «من جدّد قیراً او مثل مثلاً فقد خرج من الاسلام»<sup>3</sup> بیان کرده است. تفسیری که جناب ایشان از «مثل مثالا» می‌کند با خروج از اسلام مناسبت دارد و الا صرف یک نقاشی ساده بدون هیچ پسوند و پیشوندی با این عقوبت تناسب ندارد.<sup>4</sup> از این جا به یک اصل می‌رسیم و آن این که نمی‌توان به راحتی روایات غیر قطعی مبین ثوابها یا عقابهای غیر متناسب با عمل و جرم را به راحتی پذیرفت و در این باره

حداقل باید احتیاط کرد و علم آن را به اهلش واگذار نمود؛ هر چند به دلیل امکان اعمال تعبد در این موارد و عقلی محض نبودن مسأله، نباید به سرعت موضع سلب و نفی گرفت. فتامل.

(پایان جلسه)

(ب) روایات تأمین از عقاب با داشتن برخی صفات و حالات حتی در فرض ارتکاب گناه

از مواردی که به نظر ما مجالی است برای تأمل جدی (بلکه و رد آن‌ها) برخی روایات است که به انسان‌ها تأمین از عقاب می‌دهد هر چند شخص مرتکب معصیت‌های بی‌شمار گردد! متنی که محدث قمی نقل کرد، حاوی این مفاد (به نظر ما: باطل) بود!

به این روایت‌ها نیز توجه کنید:

قال ابو عبدالله - علیه السلام - : «...ان حُبنا اهل البيت لِيَحُطُّ الذنوب عن العباد كما تحطُّ الريح الشديدة الورق عن الشجر»<sup>5</sup>؛  
«حبّ علی - علیه السلام - حسنة لا يضر معها سيئة»<sup>6</sup>؛ «قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : اربعة انا الشفيع لهم يوم القيامة و لو أتوني بذنوب اهل الارض معين [المعين] لاهل بيتي و القاضى لهم حوائجهم عندما اضطروا اليه و المحب لهم بقلبه و لسانه و الدافع عنهم بيده»<sup>7</sup>.

نقد و بررسی

بدون شک نقش عظیم محبت اهل بیت - علیهم السلام - قابل انکار نیست لکن این که تأمین خاطری به انسان داده شود که اگر با گناه اهل زمین بمیرد در برزخ رها است و هرگاه وارد محشر شود از شفاعت (و قاعدتاً: شفاعت مقبول) رسول گرامی - صلی الله علیه و آله - برخوردار است مخالف بی‌شماری از نصوص روایی و آیات قرآن است که بر لزوم اقتران ایمان با عمل صالح در نجات انسان تأکید دارد.

1. مفاتیح الجنان، در فقرات زیاد شدن بر زیارت وارث.

2. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 121.

3. همان، ص 120، ج 579.

4. ر.ک: نیز بحار الانوار، ج 82، ص 18.

5. همان، ج 27، ص 77.

6. ر.ک: فضایل شاذان بن جبرئیل، ص 96.

7. بحار الانوار، ج 27، ص 77 و 78.

مشروح درس :

بسم الله الرحمن الرحيم

حرف دیروز ما این بود آن چه مسلم است ما در اخذ به روایات معتبر شاهد قرآنی نیاز نداریم هم عقیده ی ما است و هم رویه ی بزرگان و علما بوده است بله امام صادق و امام باقر ممکن است معادلات فیزیک را هم از قرآن استخراج کنند ولی ما نمی‌توانیم و این روایات برای ما است و ما برای این که روایات را از دست ندهیم و هم این مشکل را حل کنیم آمدم فکری کردیم و به این اصول راهبردی رسیدیم و مثال زدیم که وقتی قرآن می‌گوید سؤال کنید از اهل ذکر اگر نمی‌دانید البته می‌دانید که در مورد این آیه برخی از روایات بیان می‌کنند که مراد از اهل ذکر عالمان یهودی و مسیحی است و مراد از آن کنتم لا تعلمون یعنی نمی‌دانید پیامبری حضرت محمد ص است ولی از باب این که خصوصیت مورد مخصص نیست و قرآن در مواقع خرد اصولی راهبردی اش را ذکر می‌کند از این آیه می‌توانیم استفاده کنیم که در خود شریعت اسلام هم اگر سؤالی داشتید از اهل ذکر استفاده کنید، امام صادق، امام باقر حتی نظرات کارشناس، حتی ابزار و ادوات کارشناسی مثلاً آزمایشگاه وقتی با دستگاه

های دقیق تشخیص ژن می دهند، تشخیص نسب می دهند پس از آن استفاده کنیم یعنی از ابزار توسعه ی دلیل استفاده کنیم و این آیه را توسعه دهیم. خیلی از اوقات ما خودمان می رویم مستقیم سؤال می کنیم و خیلی از اوقات قبل از ما از طریق معتبر رفته اند و پرسیده اند، و الآن با سند معتبر در نزد ماست، ما این جا می گوئیم این روایت به شرط این که مخالف قرآن نباشد، فحص هم کرده باشیم، این روایت را عمل می کنیم و اگر کسی بپرسد چرا عمل کردید؟ می گوئیم: فاسألوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون؛ حال گاهی محتوای روایت مفاد همین آیه است مثل نزدیک به دویست روایتی که مربوط به خبر واحد است، این روایات می شود مصداق سؤال از اهل الذکر یا می شود مصداق آیه ی نبأ یا ... اما گاهی مطابقت مفاد است و مستقیم شاهی از قرآن ندارد و ما در این جا اولاً ممکن است همین ها را با یک سری از عموماً قرآنی از همان اصول راهبردی مثلاً کسی از معاملات جدید انجام داده که در شریعت نیست و عقلاً سابقاً نداشته اند، این را می بریم تحت یکی از اصول راهبردی مثل «ألسنت اولی بکم من انفسکم» این آیه می گوید مردم شما ولی علی انفسکم و الا اگر ما ولی خودمان نبودیم معنا نداشت پیامبر بفرماید ألسنت اولی بکم من انفسکم و منظور ولی است بر شئون نفسش مثل مال انسان، اراده ی انسان، وقت انسان، حقوق انسان، البته اعضا هم هست اما از خارج می دانیم که انسان نمی تواند اعضایش را قطع کند، خودش را بکشد و این ها استثناً شده است، این می شود یک اصل راهبردی، معامله ای را انجام داده است، اگر دلیلی بر حرمتش داریم مثل این که ربا است، غرر است، قمار است، بیع محرمان است در این موارد ما ولایت نداریم و الا از این اصل استفاده می کنیم.

بحث ما در این تمام است ما موافقت را معنا کردیم، مشکل اجماع را هم حل کردیم و بحث فعلی ما یک بحث جانبی است و در واقع دو مورد مصداق شناسی از همین بحث است.

## 6- برخی از مصادیق مخالفت با اصول مسلم شریعت

### نقد و بررسی برخی از روایات مبین ثواب یا عقاب

یکی از این دو مورد داستان ثواب ها و عقاب های عجیب و غریب است و این بحث در استنباط هم تأثیرگذار است. آقای شیخ عباس قمی کسی است که ثواب برخی از ادعیه را در مفاتیح ذکر می کند مثلاً برای زیارت عاشورا ثواب های زیادی نقل می کند ولی ایشان در مورد دعای حبی که دیروز مطرح کردیم معترض است و می گوید این درست و این دعا مجعول است. در واقع استدلال ایشان این است که یک چنین دعایی نمی تواند چنین ثواب عظیمی داشته باشد.

ما در روایت داریم که اگر تعداد افرادی که نماز جماعت می خوانند از ده نفر بیشتر شود اگر همه ی جن و انس و ملک نویسنده بشوند، همه ی درختان قلم شوند و همه ی دریا ها مرکب شوند نمی توانند ثواب یک رکعت از این نماز جماعت را بنویسند یا در بخش گناهان شبیه به همین را داریم. در مورد نقاشی و مجسمه سازی علماً اختلاف دارند و برخی قائل به حرمت این ها شده اند و یک از ادله کسانی که قائل به حرمت مجسمه سازی شده اند روایتی است که از امیرالمؤمنین داریم که حضرت فرمودند: «من مثل مثلاً فقد خرج عن الاسلام» در بحث مکاسب محرمه ما بحث کردیم که آیا منظور این روایت صرف نقاشی و مجسمه سازی است؟ اگر این طور باشد با خرج عن الاسلام تناسب دارد؟ در آن جا جناب صدوق گویا با توجه به همین شبهه می گوید اصلاً بحث نقاشی و مجسمه سازی نیست بلکه منظور این است که چیزی را درست کند و دعوت کند مردم را به سمت آن، بدعتی در دین بگذارند و ممثلی درست کنند آن وقت این کار با خرج عن الاسلام می سازد. یکی از اموری که باعث شده است که صدوق این حرف را بزند این است که باید تناسب وجود داشته باشد. ما در بحث تلقیح مصنوعی هم همین حرف را زدیم چون در آن جا هم روایت داریم: «من أقرّ نطفته فی رحم یحرم علیه خرج عن الاسلام» برخی از این روایت استفاده کرده اند برای حرمت تلقیح مصنوعی و ما در آن جا گفتیم که این تعبیر کنایه از زنا است و می خواهند بفرمایند که ای زانی بفهم که با این عمل داری چه می کنی و نهایت این عمل حرام باشد ولی با این که محاربه ی با خدا کرده و چه کرده و چه کرده نمی سازد.

به هر حال این ها هم بخشی از مسأله است که بعضاً برخی از علما ورود کرده اند مثلاً آقای شیخ عباس قمی به دعای حبی که رسیده است چون قبول نداشته است به آن تاخته است و این طور گفته است ولی خود ایشان در مواردی که مجعول بودن آن ها را قبول ندارد روایاتش را نقل کرده است. به نظر ما مسأله باید مدیریت شود. برخی تمام این ها را انکار می کنند که به نظر ما این درست نیست؛ از آن طرف قبول دربیست همه ی موارد بدون تحلیل ضمن این که ما نمی توانیم دفاع کنیم از تراش دلیل هم نداریم. حداقل این است که هر کدام که سند ندارد که هیچ که اکثراً هم ندارد اگر جایی هم سند دارد و از این قبیل است باید احتیاط کرد. من نمی خواهم بگویم ثواب ها و عقاب ها عقلی است، ما نمی دانیم دو رکعت نماز در کنار کعبه چه آثاری دارد

پس عقلی محض نیست ولی نباید این طور هم باشد که ما بی احتیاطی کنیم و هر چه آمد بگوییم مثل همان روایت نماز جماعت.